

هم‌سنگران پیامبر (ص) از دیدگاه قرآن

سید احمد زرهانی



أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱. از این آیه شریفه به خوبی روشن می‌شود که هم‌سنگران رسول خدا (ص) کسانی هستند که نسبت به همدیگر و در برابر مؤمنان، مهربان و نرم‌دل می‌باشند و در مقابل دشمنان متجاوز و کفار مهاجم، سخت‌گیرند و با شدت عمل ایستادگی می‌کنند. حال از پرچم‌داران تفرقه و برادرکشی باید پرسید: شما کجا ایستاده‌اید، با پیامبر خدا (ص)، یا در اردوگاه کج‌روان و منحرفان؟

یکی دیگر از آیات شریفه قرآن که تکلیف هم‌سنگران رسول اعظم (ص) را روشن می‌کند و جایگاه آنان را نشان می‌دهد، بدین قرار است: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ»^۲؛ یعنی تو در گروه و مجموعه کسانی نیستی که در اثر اختلاف و تفرقه با همدیگر، دچار پراکندگی در دین شده و گروه گروه گردیده‌اند، و با آنان هیچ‌گونه پیوند و ارتباطی

در گرماگرم اختلافات، همه فرق اسلامی خود را هم‌سنگر پیامبر اعظم (ص) به شمار می‌آورند، حتی کسانی که ندای تفرقه سر می‌دهند و خود را از همه برتر می‌بینند و اهل قبله را تکفیر و تفسیق می‌کنند. راستی حق با چه کسانی است و کدام جماعت بر «سبیل سداد» حرکت می‌کند و همراهان رسول اکرم (ص) چه ویژگی‌هایی دارند؟ برای یافتن پاسخ، باید بی‌طرفانه در قرآن و سنت خاتم النبیین (ص) نگریم و حقایق را با چشم دل دریافت. در این نوشتار به اختصار تنها به چند آیه استناد می‌شود، تا گروه‌های متخاصم مسلمان، خود را در آینه این آیات، بنگرند و نسبت خویش را با اسوه مسلمانان، حداقل در عمق وجدان خود پیدا کنند و اگر دیدند با گل سرسبد هستی فاصله دارند، به تجدیدنظر روی آورند.

خداوند می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ

۱. فتح، ۲۹.

۲. انعام، ۱۵۹.



نداری. این معنا روشن می‌کند که اهل تفرقه و انشعاب و اختلاف توفیق هم‌سنگری با رسول اکرم (ص) را از دست می‌دهند و پیامبر خدا (ص) با آنان نسبت و پیوند و پیمانی ندارد. کار آن جماعت فقط به خداوند واگذار می‌گردد. سپس خداوند آنان را از کارهایی که کرده‌اند، باخبر خواهد کرد و ماهیت اعمالشان را به آنان نشان خواهد داد.

حال باید از کسانی که در عصر ما دین خود را دستخوش تفرقه کرده‌اند و با روی آوردن به گروه‌های متخاصم، از برادرکشی لذت می‌برند، سؤال کرد: در کجای اردوگاه رسالت ایستاده‌اید و به چه حقی به نام دین، جان و مال و سرزمین مسلمانان را به یغما می‌برید؟ کافر شمردن و کشتن مسلمانان، گناه کوچکی نیست. مگر نمی‌دانند که استکبار جهانی این خشونت‌ها را به نام دین در جهان بازتاب می‌دهد و چهره نورانی اسلام را سیاه جلوه‌گر می‌سازد؟ اسلام عزیز که تنها منطق روشن و اندیشه نجات‌بخش آخرالزمان است، چرا باید در افکار عمومی ملتها سرفکنده شود؟ آیا در قرآن مجید نخوانده‌اند: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»^۳ که این‌گونه بی‌محابا خون پاک نمازگزاران را در خانه خدا به زمین می‌ریزند و احساس آرامش می‌کنند؟ آیا آنان متوجه نیستند که اسرائیل غاصب در این هنگامه، نفس راحتی می‌کشد و لبخند رضایت می‌زند و این مسلمان ستیزی را پدیده مبارکی برای حیات نامیمون خود قلمداد می‌کند؟ سران منطقه چرا پنهان و آشکار

آب به آسیاب این بحران می‌ریزند و حق و باطل را درهم می‌آمیزند و افق اتحاد مسلمانان را تیره و تار می‌سازند؟

یکی دیگر از ویژگی‌های هم‌سنگران رسول اکرم (ص)، پایداری در راه حق و اجتناب از طغیان و سرکشی است. خداوند می‌فرماید: «فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۴. تعرض به هستی کسانی که مبدأ و معاد را از صمیم دل پذیرفته‌اند و حلال و حرام خدا را مراعات می‌کنند و ندای وحدت و اخوت سر می‌دهند، از مصادیق روشن طغیان است. تنها گناه این مسلمانان این است که مثل اهل تفرقه فکر نمی‌کنند و به آنان مشابهت ندارند و به همین جرم واهی تکفیر می‌شوند و از زندگی ساقط می‌گردند. راستی اگر خداوند می‌خواست همه را مثل هم می‌آفرید، ولی چنین نکرده و حکمت بالغه الهی اقتضا کرده است که انسانها در پرتو وحی با تعقل و تفکر راه حیات طیبیه را بیمایند و مجتهدان با غور در قرآن و سنت، احکام الهی را استنباط کنند و راه دین‌داری و دین‌باوری را هموار سازند. آیا اختلاف در استنباط مجتهدان و مفتیان امت واحده، مجوزی برای تعدی و تجاوز به همدیگر است؟ در مکتبی که در آن پرچم «اول ما خلق الله العقل» برافراشته شده است، نباید این همه هیجان‌ات تند و تعصبات کور رواج پیدا کند و جا دارد که عقلای امت اسلامی جمع شوند و با سرانگشت تدبیر گره از کار فرو بسته تندروان امت بگشایند و اخوت را به جای تنازع بنشانند.